



فهرست مطالب

- محل بحث: بررسی ادله حرمت و بطلان بیع اصنام ۲
- دلیل پنجم: اولویت مستفاد از تحریم بیع خمر ۲
- دلیل ششم اولویت مستفاد از تحریم بیع الخشب ممن يعمل صلیبا ۲
- بررسی روایات تحریم بیع الخشب ممن يعمل صلیبا ۳
- روایت اول باب ۴۱ ۳
- بررسی سندی: اعتبار روایت ۳
- بررسی دلالتی روایت ۳
- الغا خصوصیت از صلیب ۳
- احتمالات در مدلول لا در روایت ۳
- الغا خصوصیت از خشب در روایات ۴
- تبیین اولویت ۴
- الغا خصوصیت از مورد بیع ۴
- برتری اولویت در دلیل ششم بر دلیل پنجم ۵
- لبی بودن دلیل اولویت و عدم اطلاق دلیل اولویت ۵
- ادعای اطلاق دلیل اولویت در محل بحث ۵
- رد صغروی ادعای فوق ۶
- دلیل هفتم: اولویت و فحوای ادله وجوب اتلاف بت ۶



بسم الله الرحمن الرحيم

محل بحث: بررسی ادله حرمت و بطلان بیع اصنام

بحث در بیع اصنام و هیاکل عبادت و بررسی ادله اقامه شده بر بطلان و حرمت تکلیفی بیع اصنام و هیاکل عبادت می باشد. در جلسه قبل پنج دلیل بر این ادعا بررسی شد که در مقام بررسی در دلالت و یا سند چهار دلیل اول خدشه وارد شد و تنها دلیل پنجم مورد پذیرش واقع شد که مجدداً آن را مرور می کنیم.

دلیل پنجم: اولویت مستفاد از تحریم بیع خمر

دلیل پنجمی که بر حرمت بیع هیاکل عبادت به آن استشهد شده است این است که در باب خمر و مسکرات، ادله معتبری وجود داشت که دلالت بر حرمت بیع خمر و بطلان آن می کرد و تعابیری مانند لعن بایع و خریدار نیز در آن روایت بکار رفته بود و وقتی معامله مسکرات و خمر و بعضی از اعیان نجسه و ضعیفاً و تکلیفاً بالاتفاق حرام می باشد و در حکم آن تردیدی وجود ندارد، به طریق اولی معامله هیاکل عبادت و اوئان که مفسده آن بیش از مسکرات و اعیان نجسه می باشد، حرام و باطل می باشد. این دلیل اولین دلیلی است که در بین ادله مطرح شده درست به نظر می آید و این اولویت وجود دارد البته از آنجایی که این اولویت دلیل لبی می باشد و لفظی نیست نمی توان به اطلاق آن تمسک کرد و باید به قدر متیقن آن که معامله هیاکل عبادت جهت پرستش است، تمسک کرد.

دلیل ششم اولویت مستفاد از تحریم بیع الخشب ممن يعمل صلیبا

دلیل ششمی که بر حرمت بیع هیاکل عبادت اقامه شده است، اولیتی است که از بحث تحریم بیع الخشب ممن يعمل صلیبا استفاده می شود. در بحث مذکور غالب فقها حکم به حرمت تکلیفی و احیاناً وضعی بیع خشب به شخصی که قصد دارد از آن صلیب درست کند، داده اند و علت این حکم هم روایات خاصه ای است که در این مورد وجود دارد و فارغ از بحث اعانه بر اثم این روایات بر حکم حرمت دلالت می کنند. که ابتدا به بررسی برخی از این روایات می پردازیم و سپس وجه اولویت را ذکر می کنیم.



بررسی روایات تحریم بیع الخشب ممن يعمل صلیبا

روایت اول باب ۴۱

«مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ ابْنِ أُذَيْنَةَ قَالَ: كَتَبْتُ إِلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَ أَسْأَلُهُ عَنْ رَجُلٍ لَهُ خَشَبٌ - فَبَاعَهُ مِمَّنْ يَتَّخِذُهُ بِرَابِطٍ فَقَالَ لَا بَأْسَ بِهِ - وَ عَنْ رَجُلٍ لَهُ خَشَبٌ فَبَاعَهُ مِمَّنْ يَتَّخِذُهُ صَلْبَانًا قَالَ لَا^۱»

بررسی سندی: اعتبار روایت

ابراهیم بن هاشم توثیق عام دارد علاوه بر اینکه این روایت به خاطر وجود ابن ابی عمیر در سلسله روایات این حدیث، قابل تطبیق بر قاعده تبدیل سند می باشد. مراد از ابن عزینه هم عمر بن عزینه می باشد که توثیق دارد. لذا این روایت که در کافی و تهذیب هم ذکر شده است، معتبر می باشد.

بررسی دلالتی روایت

در این روایت امام در ابتدا بیع خشب به کسی که آن را تبدیل به آلات موسیقی می کند را بلاشکال می داند ولی از بیع خشب به شخصی که آن را تبدیل به صلیب می کند نهی می کند.

الغا خصوصیت از صلیب

عرفا از صلیب که نمادی است که با شرک و تثلیث پیوند خورده است، در روایت الغا خصوصیت می شود و حکم در روایت بالاولویه و یا با تنقیح مناط شامل اصنام و هیاکل عبادت هم می شود و در حکم روایت تفاوتی بین این دو وجود ندارد. و مؤید این الغا خصوصیت، روایت دوم این باب «وَ بِإِسْنَادِهِ عَنْ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ أَبَانَ بْنِ عِيسَى الْقُمِيِّ عَنْ عَمْرِو بْنِ حُرَيْثٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَ عَنِ الثُّوتِ أَبِيئُهُ - يُصْنَعُ لِلصَّلِيبِ وَ الصَّنَمِ قَالَ لَا^۲» می باشد. هرچند به این روایت به لحاظ سندی اشکال شده اما مؤیدی بر الغا خصوصیت و تنقیح مناط در روایت قبلی می باشد.

احتمالات در مدلول لا در روایت

در اینکه مدلول لا در روایت حکم تکلیفی است یا حکم وضعی سه احتمال وجود دارد.

^۱ وسایل الشیعه ج ۱۷ کتاب التجاره ابواب مایکتسب به باب ۴۱ ح ۱

^۲ وسایل الشیعه ج ۱۷ کتاب التجاره ابواب مایکتسب به باب ۴۱ ح ۲



۱. احتمال اول این است که مراد از لا در روایت فقط حکم تکلیفی باشد و بیع تکلیفاً حرام باشد ولی وضعاً باطل نباشد. آقای تبریزی این احتمال را ترجیح داده‌اند.

۲. احتمال دوم این است که مدلول لا در روایت فقط حکم وضعی باشد و معامله باطل باشد اما تکلیفاً حرام نباشد.

۳. احتمال سوم این است که مدلول لا در روایت هم حکم وضعی باشد و هم حکم تکلیفی و یا اینکه مدلول مطابقی روایت حکم تکلیفی باشد و عرفاً این حکم تکلیفی بر حکم وضعی بطلان هم دلالت کند.

فرض ما در تبیین اولویت، احتمال سوم می‌باشد یعنی مدلول لا در روایت هم حکم وضعی است و هم حکم تکلیفی می‌باشد.

الغا خصوصیت از خشب در روایات

از خشب در روایات الغا خصوصیت می‌شود و این حکم شامل فروش آهن، طلا و یا دیگر موادی که در ساخت این اصالیب و اوئان و یا ابزاری که در استحکام این اوئان و اصالیب به کار می‌رود مانند میخ، می‌شود البته این ادله شامل بیع موادی که جهت تزئین اصالیب و یا اوئان به می‌رود، نمی‌شود.

تبیین اولویت

این روایات و ادله که بر حرمت تکلیفی و وضعی بیع خشب به شخصی که اطمینان وجود دارد که او از این مواد در تهیه و ساختن صلیب و بت بکار می‌برد، دلالت می‌کند به طریق اولی بر حرمت تکلیفی و وضعی بیع صنم و هیاکل عبادت دلالت می‌کند و هیچ تردیدی در این وجود ندارد که اگر فروش مواد اولیه‌ای به خاطر اینکه به هیئت خاصی مانند بت درمی‌آیند حرام باشد خرید و فروش خود آن هیئت هم حرام است. این دلیل و اولویت صحیح می‌باشد.

الغا خصوصیت از مورد بیع

مورد محل بحث از مواردی است که بلا تردید از مورد بیع در آن الغا خصوصیت می‌شود و حکم حرمت شامل هر نوع تکسب و دادوستد مانند صلح، اجاره، هبه و عاریه می‌شود و همه این موارد از اقسام معامله و تکسب در مورد هیاکل عبادت حرام می‌باشد.



برتری اولویت در دلیل ششم بر دلیل پنجم

اولییتی که در دلیل ششم مطرح شده است بر اولییتی که در دلیل پنجم مطرح شده است برتری دارد و دلالتش واضح تر می باشد به خاطر اینکه اولویت در دلیل پنجم از ادله حرمت بیع خمر استفاده می شد اما اولویت در دلیل ششم از حرمت بیع خشبی که به جهت ساخت هیاکل عبادت و اصالیب فروخته می شود، استفاده می شود و داخل در موضوع می باشد.

لبی بودن دلیل اولویت و عدم اطلاق دلیل اولویت

در دلیل ششم نیز مانند دلیل پنجم از اولویت استفاده شده است و هرچند این دو دلیل صحیح می باشند اما دلیل لبی می باشند و در دلیل لبی باید اخذ به قدر متیقن شود و اطلاق آن تام نیست و قدر متیقن از حرمت تکلیفی و وضعی، مواردی است که هیاکل عبادت به جهت پرستش فروخته می شوند. اما این ادله شامل مواردی که این هیاکل به جهت نگه داری در موزه و یا به عنوان تزیین فروخته می شوند، نمی شود.

ادعای اطلاق دلیل اولویت در محل بحث

هرچند سیره، اجماع، دلیل عقل و اولویت و قرائن لبی اطلاق ندارند و باید به قدر متیقن اخذ شود اما این قاعده در مواردی استثنا خورده است و یکی از آن استثنائات، مواردی است که دلیلی که از آن اولویت استفاده می شود اطلاق داشته باشد و به حکم عقل این اطلاق و شمول در حکمی که از اولویت استفاده شده است نیز وجود دارد. و شایسته نیست که در دلیل اصلی و پایه به اطلاق و شمول حکم شود ولی در حکمی که از اولویت استفاده شده، این اطلاق و شمول وجود نداشته باشد. در محل بحث نیز ادله تحریم بیع الخشب ممن يعمل صلیبا اطلاق دارند و حکم شامل مواردی که خشب برای صلیب و یا صنمی که برای غیر عبادت و نماد خاص ساخته می شود، نیز می شود و این اطلاق در مورد بیع هیاکل عبادت نیز وجود دارد و بیع هیاکل عبادت و اصنام به طور مطلق حرام و باطل می باشند.



رد صغروی ادعای فوق

هرچند ادعای فوق به لحاظ کبروی صحیح است اما به لحاظ صغروی در اطلاق ادله تحریم بیع الخشب ممن يعمل صلیبا تردید وجود دارد و این ادله انصراف به مواردی که اصالیب و اصنام به جهت عبادت و یا نماد شرک و تثلیث ساخته شوند، دارند

دلیل هفتم: اولویت و فحوای ادله وجوب اتلاف بت

دلیل هفتمی که بر حرمت بیع هیاکل عبادت و اصنام اقامه شده است، اولویت و فحوای ادله ای است که دلالت بر وجوب اتلاف و شکستن بت ها می کنند مانند ادله نهی از منکر، وجوب اتلاف آلات و ابزار گناه و همچنین سیره انبیا که به خاطر وجود قرائنی این سیره ظهور در وجوب دارد و وقتی اتلاف هیاکل عبادت واجب بود بالاولویه خرید و فروش آن ها نیز حرام و باطل است و شارعی که حکم به اتلاف اصنام کرده است حکم به جواز بیع آن ها نمی کند. هرچند این دلیل صحیح است اما مانند دلیل پنجم و ششم دلیل لبی می باشد و از آنجاکه در اطلاق دلیل وجوب اتلاف اصنام و هیاکل عبادت تردید وجود دارد و اطلاق محرز نیست در مورد بیع آن ها هم اطلاق محرز نیست و وجود ندارد و باید به قدر متیقن اخذ کرد.